

یادداشت

لزوم همراهی بیشتر دولت در تعیین دستمزد کارگران

علی اصلائی، عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار

در باره تعیین رقم سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومانی سبد هزینه معیشت کارگران باید گفت این عدد، رقمی است که به تأیید شرکای اجتماعی رسیده و نمایندگان هر سه گروه کاری، کارفرمایی و دولت آن را تأیید کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که سبد معیشت کارگران، سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان است.

هر سال کمیته‌های دستمزداستان‌هابابررسی وضع معیشت خانوار، تورم و هزینه‌های زندگی، رقم سبد معیشت کارگران را محاسبه و به کانون عالی شوراهای اسلامی کار ارسال می‌کنند. این رقم در همه‌استان‌هایکی نیست وبسته به کیفیت زندگی و هزینه‌ها متفاوت است، اما کمیته دستمزد همه ساله میانگین رقم هزینه زندگی کارگران کل کشور را در نظر می‌گیرد و آن را مبنای تعیین دستمزد قرار می‌دهد. البته رقم سبد هزینه معیشت کارگران با توجه به تورم موجود، افزایش اقلام ضروری و اساسی سبد خانوارهای کاری و نوسان نرخ ارز، بیش از این است چون سبد معیشت کارگران ۳۱ قلم کالای اساسی را شامل می‌شود و درخواست نمایندگان کارگری همواره این بوده که نرخ تورم این اقلام محاسبه و مبنای تعیین دستمزد قرار داده شود. سال گذشته رقم سبد معیشت کارگران دومیلیون و ۴۸۰ هزار تومان بود که بادر نظر گرفتن نرخ تورم، دو میلیون و ۰۰ هزار تومان تعیین شد و اکنون، بابهروز شدن رقم سبد معیشت و اعلام هزینه سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومانی، می‌توان گفت که کارگران بیش از یک میلیون تومان عقب‌افتادگی مزدی دارند که این کسری باید جبران شود.

سال گذشته آقای شریعتمداری به عنوان وزیر صنعت، معدن و تجارت در جلسات دستمزد حضور داشت و در آخرین جلسه شورای عالی کار نیز کمک مؤثری به تصویب افزایش ۱۹.۵ درصدی حداقل مزد کرد که امیدواریم با توجه به بهروز شدن رقم سبد معیشت کارگران، امسال به شکل متفاوت‌تری نسبت به تعیین دستمزد کارگران تصمیم‌گیری شود. البته حق مسکن پیشتر اضافه شده است. هر چند حق مسکن ۱۰۰ هزار تومانی در شرایط امروز پولی نیست ولی همین که از ۴۰ هزار تومان به ۱۰۰ هزار تومان افزایش داده شد، برای کارگران دلگرم‌کننده است و امیدواریم امسال بادر نظر گرفتن وضع اقتصاد، شرایط کارفرمایان، خط فقر، کاهش شدید قدرت خرید خانوارهای کاری و فشاری که کارگران به دلیل نوسان نرخ ارز متحمل شدند دستمزد را تعیین کنیم.

در پایان ضمن تأیید مشکلات کارفرمایان در تأمین مواد اولیه و هزینه‌های تولید، از دولت می‌خواهم در چهل سالگی انقلاب بیشتر به کمک بیاید و از محل بودجه نفت یا مالیات‌ها یا هر ایده‌ای که مدنظر دارد، به کارگران و کارفرمایان کمک کند.

خبر کاری

تجمع اعضای تعاونی مسکن کارکنان وزارت جهاد

اعضای تعاونی مسکن ایثار کارکنان وزارت جهاد کشاورزی صبح دیروز (شنبه ۲۷ بهمن ماه) در اعتراض به تخلفات تعاونی مسکن خود مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: در اجتماع روز پنجم‌دی ماه مقابل ساختمان وزارت کار، مدیر کل اداره کل تعاون استان تهران از ما فرصت یک هفته‌ای خواست تا پیگیر وضعیت مشکلات مان باشد. در حال حاضر که حدود دو ماه از این وعده می‌گذرد و به رغم پیگیری ایشان، همچنان مشکلات به قوت خود باقی است و اقدام مثبتی درباره تخلفات صورت گرفته اعضای سابق هیات مدیره (که در عین حال تعلیق نیز شده‌اند)، صورت نگرفته است.

این عده افزودند: پروژه‌های بزرگ این تعاونی بلامتکلیف مانده و ما از سال ۸۲ منتظر مشخص شدن وضعیت زمین‌ها و تحویل آپارتمان‌هایمان هستیم.

اعضای تعاونی مسکن ایثار کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با بیان اینکه ما خواستار آن هستیم که با اجرای قانون به مشکلاتمان که ناشی از تخلفات یک عده افراد سودجوست خاتمه داده شود، افزودند: طی سال جاری تجمعات متعددی مقابل مراجع قضایی، اداره کل تعاون استان تهران و وزارت کار برگزار کرده‌ایم به امید اینکه مشکلاتشان برطرف شود.

طبق اظهارات معترضان، بسیاری از کسانی که عضو این تعاونی هستند در آمد چندان ندارند. خیلی از آنها مستاجرند و فرزندانش آموز و دانشجو یا در شرف ازدواج‌اند.

شکاف و فاصله طبقاتی؛ محصول تصمیم‌های مجلس

۵۰درصد یارانه پنهان در جیب سه دهک بالای درآمدی است



پیام عابدی

می‌گویند جراحی اقتصادی ایران واجب است چرا که اقتصاد کشور بیمار، ملول و درمانده است. از این رو عده‌ای شوک درمانی را پیشنهاد می‌دهند. در تعریف شوک درمانی نوشته‌اند: زها کردن قیمت‌ها و نظارت‌های ارزی، حذف یارانه‌های دولتی به‌طور ناگهانی و تجارت آزاد آنی درون یک کشور به همراه خصوصی‌سازی گسترده ذخایر که در مالکیت دولت است.

بنا بر باور مدافعان این روش، برای نجات نظام‌های اقتصادی بی‌برنامه، راهی به جز کاستن از هزینه‌های بخش عمومی و کوچک‌تر کردن سهم مردم از یک اقتصاد و وجود ندارد. در ایران اما عده‌ای هم خواهند حذف یارانه پنهان و هم خواهند افزایش قیمت بنزین تا کارگران، بازنشستگان و کارمندان از طریق افزایش دستمزد دهانشنند. «سید جواد نوفرستی» اقتصاددان، استاد دانشگاه الزهراء و کارشناس اقتصاد انرژی از این دسته‌است. او بیشتر هشدار داده بود عده‌ای در مقابل ساقط شدن قدرت خرید کارگران خود، ربه‌ناشنوایی زده‌اند. وی در گفت‌وگوی پیش رو، ضمن دفاع از حذف یارانه انرژی، شرح می‌دهد که اگر دولت، اقتصاد را تکانی بدهد و زمینه‌ش را فراهم کند، دیگر کسی پیدا نمی‌شود که به یارانه و سبد کالا با آن شکل توزیع تحقیرآمیزش نیازی داشته باشد.

■ دولت و مجلس در شرایطی نگران کسری بودجه سال آینده هستند که در بودجه سنواتی ۹۸ در رابطه با قسمتی از درآمدها که مربوط به افزایش نرخ حامل‌های انرژی است، شفاف‌سازی نشده است و کسی هم نمی‌داند که دولت اگر نرخ حامل‌های انرژی را از طریق حذف یارانه پنهان در قالب سهمیه‌بندی افزایش دهد با منابع آن چه می‌کند.

گزارش

برای حفظ قدرت خرید کارگران ضروری است

افزایش یک میلیون و ۸۹ هزار تومانی دستمزدها

با خاتمه محاسبات سبد معیشت در کمیته دستمزد شورای عالی کار، مذاکرات رسمی برای تعیین دستمزد، آغاز خواهد شد. با توجه به بالا رفتن سرسام‌آور هزینه‌های زندگی در سال جاری، مبنای مذاکرات امسال چیست، چگونه باید قدرت خرید از دست‌رفته کارگران را احیا کرد و پیشنهاد گروه کاری برای این مذاکرات چیست؟

به گزارش ایلنا، علی خدایی، عضو کاری شورای عالی کار در این رابطه با اشاره به لزوم محاسبه تاثیر تورم روی هزینه‌ها و در پاسخ به این س‌سوالات می‌گوید: اثر تورم باید روی هزینه‌های زندگی محاسبه شود و نه روی دستمزد، چون هزینه‌های ما ۴۰ درصد افزایش یافته‌است، با توجه به

این از عجایب است که دولت با وجود کسری بودجه، از سرگیری دوباره تحریم‌ها، افزایش هزینه‌های آب، برق و گاز و افزایش قیمت جهانی بنزین، افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی را در لایحه بودجه سال ۹۸، پیش‌بینی نکرده است. تصور اینکه نرخ بنزین افزایش نیابد، جزو محالات است. در هر صورت اگر این وضعیت ادامه داشته باشد در شرایطی که دولت با کسری شدید بودجه در سال ۹۸ مواجه است، آن هم کسری که براساس ارزیابی کمیسیون برنامه و بودجه، ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است، با کسری شدیدتری مواجه می‌شود. کسری بودجه هم خود به تورم بیشتر دامن می‌زند.

البته الزام‌ا قرار نیست افزایش قیمت‌ها در لایحه بودجه درج شود. دولت اختیار افزایش قیمت بنزین تا ۹۰ درصد فوب خلیج فارس را دارد. به نظر می‌رسد دولت با همین هدف افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی را در بودجه‌نیاروده است. باید گفت قوانین از جمله قانون هدفمندی یارانه‌ها، ردیف‌های خرج درآمدهای دولت از این محل را مشخص کرده‌اند. برای نمونه A درصد برای تولید، B درصد برای پرداخت یارانه‌های نقدی و C درصد برای هزینه‌های جاری. کاش دولت در قالب بودجه آن را شفاف‌سازی می‌کرد تا درآمدهای دولت مشخص و ردیف هزینه‌های آن شفاف می‌شد. در حال حاضر در بلامتکلیفی بسیار شدیدی به سر می‌بریم.

■ شاید نمایندگان مجلس به خاطر برگزاری انتخابات مجلس در سال آینده با آن موافق نیستند. چند صدایی که از مجلس برمی‌خیزد هم عجیب است، هم ناراحت‌کننده. عده‌ای از نمایندگان می‌گویند افزایش قیمت سوخت برای سال آینده قطعی است اما یک عده می‌گویند عملی نمی‌شود. حتی دیده

اینکه در آمد نا منصف هزینه‌ها بوده، در آمد باید خیلی بیشتر از افزایش هزینه‌ها افزایش یابد تا بتوانیم همان قدرت خرید قبلی (معادل اسفند ۹۶) را حفظ بکنیم. وی معتقد است فاصله ریالی سبد معاش محاسبه‌شده امسال با سبد معاش سال قبل که برابر با یک میلیون و ۸۹ هزار تومان است، بسیار مهم است. خدایی می‌افزاید: این رقم، کمیته مقداری ست که باید به دستمزد کارگران افزوده شود تا قدرت خرید به سال قبل بازگردد. این تازه می‌شود حفظ شرایط سال گذشته که البته به هیچ وجه مطلوب مائیتس! نماینده کارگران در شورای عالی کار باز هم تأکید می‌کند

که در یکی از کمیسیون‌های مرتبط با این حوزه، رئیس کمیسیون یک حرفی می‌زند و اعضا حرفی دیگر و رئیس مجلس هم نظر دیگری دارد. حرف من این است که مردم و تولیدکنندگان باید تکلیف خود را بدانند. هیچ کس پاسخی در دست ندارد. در کل اگر بخواهند بدون داشتن برنامه افزایش قیمت اعمال کنند، نه تنها مصرف‌بنزین کاهش نمی‌یابد بلکه بی‌عدالتی در توزیع یارانه‌ها تشدید می‌شود و کمکی هم به کاهش حجم قاچاق سوخت نمی‌کند.

نیاز به یک تصمیم کلیدی و مهم داریم. افزایش ۵ تا ۱۰ درصدی قیمت بنزین صرفاً تورم ایجاد می‌کند و

در نهایت کمکی به کاهش مصرف نخواهد کرد. حتی اگر قیمت بنزین را صد درصد افزایش دهند و هزار تومان بشود دو هزار تومان، باز هم هیچ کمکی به کاهش قاچاق و مواد دیگر که نام‌بردم نخواهد کرد. در این شرایط همچنان قاچاق سوخت جذاب است. در آن صورت توزیع نابرابر یارانه پنهان ادامه خواهد داشت. فقر تشدید می‌شود و صنایع کوچک در سال ۹۸ بیش از این تعطیل می‌شوند و بیکاری هم تشدید می‌شود. در این شرایط یارانه پنهان بنزین قطعاً ناعادلانه توزیع می‌شود و خواهد شد چرا که ۵۰ درصد خانوارها که در شهرهای کوچک و روستاها زندگی می‌کنند اصلاً خودرویی ندارند. دولت، مجلس و مراکز پژوهشی باید روی طرحی کار کنند که خروجی آن در شرایط فعلی که با رکود تورمی دست به گریبان هستیم، به نفع منافع ملی باشد. اگر طرح کارت انرژی بخواهد اجرایی شود نباید هدف افزایش درآمد دولت باشد چرا که افزایش درآمد برابر با افزایش بودجه جاری دولت و افزایش تورم است. اگر این طرح تصویب شود و ما در قالب توزیع این کارت‌ها سهمیه‌بندی بنزین را داشته باشیم، اینجا ست که دولت باید دست به شفاف‌سازی درآمدهایش بزند تا

کوچک رانابود کرده‌است. همین اتفاق در دولت آقای احمدی‌نژاد رخ داد و در دولت فعلی هم تکرار شد.

■ فقرزدایی به واسطه توزیع درآمدهای نفتی، پرداخت سود سهام عدالت، پرداخت یارانه نقدی و اختصاص یارانه پنهان به سوخت تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده است؟

امروز به نام حمایت از اقشار محروم و فقر، تعرفه‌های برق و به کل انرژی را سوبسیدی نگه داشتیم و حتی نگران افزایش قیمت آنها هستیم چرا که می‌گوییم افزایش قیمت آنها برای فقرا تورم ایجاد می‌کند اما باید واقعیت را در نظر بگیریم. دولت ۴۵ میلیارد دلار یارانه پنهان را به جیب اغنیا می‌ریزد. این نحوه توزیع یارانه‌ها در میان دهک‌های درآمدی بسیار ناعادلانه است چرا که سه دهک بالای درآمدی، از ۵۰ درصد این یارانه‌ها استفاده می‌کنند.

بالاترین دهک در آمدی بیش از ۱۰ برابر پایین‌ترین دهک در آمدی از یارانه پنهان بهره‌مند می‌شود. حال می‌شود از طریق طرح کارت انرژی یا حساب یارانه انرژی، از محل آزادسازی تعرفه‌ها، یارانه پنهان ۴۵ میلیارد دلاری را به طور مساوی بین همه توزیع کرد. آن هنگام سهم کم مصرف‌ها چند برابر سهمی است که در حال حاضر دارند. ۵۰ درصد خانوارها هیچ سهمی از یارانه بنزین ندارند اما از آن طرف بهره‌مندان (دهک‌های بالای درآمدی) با وجود مصرف بسیار بالای بنزین، برق و... از یارانه پنهان بهره‌مند می‌شوند.

■ می‌خواهید بگویید که فقرزدایی ممکن نشد و شکاف طبقاتی تشدید شد چون ساختار اقتصادی ایران به نفع اغنیا ریل‌گذاری شده‌است.

اجازه بدهید با مثالی به روشن شدن بحث کمک کنم. هشت سال پیش مصوب شد به هر نفر ۴۵ هزار تومان یارانه پرداخت شود. نگاه کنید که قیمت دلار آن زمان چقدر بود، حالا چقدر است اما یارانه همان است که بود! می‌خواهم بگویم هیچ‌گاه با افزایش تورم، افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت بنزین و سایر سوخت‌ها، یارانه نقدی افزایش نیافت. در مقابل صنعت برق ایران، برق را با کمتر از نرخ تمام شده به مردم و کشاورزی می‌رساند. گاز هم به همین ترتیب. دولت این یارانه عظیم را از بیت‌المال می‌پردازد. در واقع در حال فروختن آینده و پیش‌خوری است. دولت‌ها معتقدند آیندگان مسئول آینده هستند و ما باید امروزان را بگذرانیم! همین حالا دولت بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران صنعت برق بدهکار است. ۶۰ درصد برق کشور را شرکت‌های غیردولتی تأمین می‌کنند اما شبه‌دولتی‌ها و دولتی‌های این صنعت بیشتر از همه از جیب بیت‌المال برداشت می‌کنند. آخر سر

یکی از دلایل تعمیق فقر، شیوه افزایش حقوق هاست. مجلس اعلام می‌کند که بر اساس لایحه بودجه، حقوق کارمندان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد.

از آنجا که اکثر نمایندگان مجلس و تصمیم‌سازان جزء دهک‌های بالای درآمدی هستند، هیچ‌گاه به ضرر خود تصمیمی نمی‌گیرند

هم وقتی دولت می‌خواهد مطالبات خدمات‌دهندگان را پرداخت کند از بانک مرکزی استقراض می‌کند چرا که با کسری بودجه عظیمی به خاطر پرداخت یارانه پنهان مواجه است. استقراض از بانک مرکزی کسری بودجه را تشدید می‌کند. این کار به افزایش تورم می‌انجامد که در نهایت فشار آن به فقرا و محرومان وارد می‌شود. تورم و سقوط ارزش ریال، ارزش دارایی‌های غیر نقدی ثروتمندان را به عرش رساند. خودشان هم باورشان نمی‌شد که این‌گونه ترک‌تازی کنند. ارزش دارایی‌شان در سال ۹۷ دو تا سه برابر و حتی بیشتر شد اما فقرا چون هیچ نداشتند نه تنها از افزایش تورم سودی نبردند، بلکه از آن چیزهایی که آرزوی داشتن‌شان را داشتند، هزاران کیلومتر دور تر شدند. اصل درد فقر اینجاست. سویی دیگر تعمیق فقر، شیوه افزایش حقوق هاست. مجلس اعلام می‌کند که بر اساس لایحه بودجه، حقوق کارمندان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. از آنجا که اکثر نمایندگان مجلس و تصمیم‌سازان جز دهک‌های بالای درآمدی هستند، هیچ‌گاه به ضرر خود تصمیمی نمی‌گیرند. ۲۰ درصد افزایش برای کسی که ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، یعنی ۲ میلیون تومان اضافه پرداخت اما برای کسی که یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد برابر ۲۴۰ هزار تومان است.

نمایندگان مجلس در حال افزایش شکاف درآمدی و فاصله طبقاتی هستند. با این تصمیم مجلس، نجومی‌بگیران، نجومی‌بگیرتر و فقیرانمان فقیرتر می‌شوند. اینها باید اصلاح شود. تمام گرفتاری‌های ما از این سیاست‌های گتره‌ای است. بعد هم برای جلب رضایت آنها که طردشان کرده‌اند به آن شکل تحقیرآمیز سبد کالا می‌دهند. پرسش این است که چرا زمانی که خط فقر به اذعان مراکز پژوهشی حدود ۳ میلیون تومان است، اکثر کارگران، مستمری‌بگیران و کارمندان یابین یک و نیم میلیون تا ۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرند؟ حقوق و دستمزدها را شرافتمندانه کنید، کسی به سبد کالا و یارانه ۴۵ هزار تومانی نیازی نخواهد داشت.



تومان را حساب کنیم و ببینیم چه عددی می‌شود، بعد این عدد را با حداقل دستمزد فعلی که یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است، نسبت بگیریم که مطمئناً درصد بسیار بالایی می‌شود.